

خداوند بر همه چیز توانا است

- ✿ این حقیقت را در باغ وحش میآموزیم
- ✿ جالی که یک پرگانه و کهکشانشاها یکسان است!
- ✿ باین دلیل خداوند بر همه چیز قدرت دارد!



آیا هرگز بیاب وحش رفته‌اید؟ آیا قیافه‌های عجیب و حیرت‌انگیز حیوانات گوناگون را از نزدیک دیده‌اید؟ پرندگان مختلف با بالهای رنگارنگ و زیبا؛ با منقارهای صاف و برگشته کوچک و بزرگ خواننده و خاموش، با پاهای کوتاه و بسیار بلند و صدها اختلاف دیگر... یک یک غرغره ها و قفس‌ها را سرکشی کنید: انواع خزندگان؛ اقسام درندگان؛ میمونها با آن قیافه‌ها و حرکات مضحك جانوران آبی و ماهیانی که بدنهای شفاف آنها مانند بلور میدرخشند و امعاء آنها از بیرون پیدا است؛ و جانداران عجیب دیگر...

انسان وقتی این اشکال و قیافه‌های گوناگون را می‌بیند و مشاهده میکند که «اصول حیات و زندگی» با اینکه اصول معین و محدودی است در اینهمه لباسهای مختلف جلوه‌گری کرده بی‌اختیار بان‌مبده قدرتی که اینهمه تنوع بحیات و زندگی بخشیده آفرین میگوید.

بطور قطع همه کس (حتی افراد مادی و غیر معتقد بخدا) در نخستین برخورد با چنین منظره‌هایی، بایک احساس مبهم و آمیخته بخصوع در اعماق دل خود مواجه میشوند که با اصول «مادپگری» قابل تفسیر نیستند.

از باغ وحش قدم بیرون نهاده و از موزه‌های علوم طبیعی؛ مخصوصاً غرفه‌های مربوط بکپاهاشناسی دیدن میکنیم، نمونه‌انواع و اقسام گیاهان؛ گل‌های رنگارنگ، ساقه‌ها و برگ‌های گوناگون؛ هر یک از دپگری عجیب‌تر... در اینجا نیز می‌بینیم اصول محدود

زندگی نباتی، در قیافه‌ها و صورتهای بسیار متنوعی خود نمائی کرده است.

اینها نمونه بسیار کوچکی از تنوع جانداران و گیاهان در عالم طبیعت هستند؛ و چون غالباً محیط آزاد و اصلی خود را از دست داده افسرده و پژمرده و کم نشاط و کم رنگ شده‌اند؛ نماشگاه حقیقی و جاندار زندگی حیوانی و گیاهی همان دل جنگلها، پستی و بلندی دره‌ها و کوهها؛ صفحه بیابانها و اعماق دریاهاست آنجاست که میتواند تنوع عجیب جانداران و نباتات؛ قیافه‌های گوناگون زندگی حیوانی و نباتی را بصورت کاملی پمانشان دهد آنجاست که تنها برای يك مطالعه سطحی و زودگذر نیازمند بيك وقت زياد و حوصله زيادتری هستیم.

اکنون يك مطالعه ساده هم زوی سلولهای بدن خودمان کنیم؛ این سلولها همه در اصول خلقت يكسانند، هر کدام يك موجود كوچك زنده، يكه واحد حیاتی محسوب میشوند که دارای نو و تغذیه و تولید مثل هستند؛ اما بقدری از نظر ساختمان و شکل و طرز کار باهم مختلفند که حساب ندارد، سلولهای تشکیل دهنده پوست بدن، سلولهای ماهیچه‌ای، سلولهای عصبی و... هر يك ساختمان و شکل مخصوصی دارند.

ما از این تنوع و اختلاف وسیع و دامنه داری که در مورد اصول معینی (مانند زندگی حیوانی، زندگی نباتی، زندگی سلولی) حکم فرماست و يك حقیقت رادر لباسهای بیشماري جلوه گر ساخته چه میفهمیم؟

آیا نمی فهمیم که مبدع اصلی این جهان و آفریدگار این موجودات متنوع قدرت و توانایی نا محدودی داشته است؟

امروز از نظر علم این مطلب مسلم شده که «مصالح اصلی» این جهان وسیع و پهناور خیلی ساده و محدود است؛ یعنی چیزی بجز اتم‌ها، اتم‌هایی که از الکترونها و پروتونها و چندجزء دیگر ساخته شده نیست، اما سازنده این دستگاه با این مصالح ساده و محدود چه نقشهای عجیبی ابداع کرده و چه طرحهای متنوع و دلغریبی ریخته است؟

آیا اینها نشانه قدرت بی پایان و نامحدود او نیست؟ اکنون که با مطالعه موجودات مختلف جهان آفرینش اجمالاً باین نکته پی بردیم که مبدع اصلی جهان «قدرت بی پایان» دارد بدن نیست این مسأله را از طریق «استدلالات عقلی» نیز تمقیب کنیم.

* * *

یکی از صفات خدا «قدرت» است خداشناس حقیقی کسی است که خدا را بر همه چیز قادر و توانا می بیند بر هر چیزی بصورتها بگنجد یا نگنجد؛ همینقدر که امر محالی نیابد

و عقلا امکان داشته باشد؛ توانایی دارد همه کار برای او آسان است، بلکه اصولاً آسان و «مشکل» برای او مفهوم ندارد.

از هیچ کاری خسته نمیشود و آفریدن يك «پرگاه» و يك «كهكشان بزرگ» برای او یکسان است؛ شاید این مطلب را غیر قابل تصور و نامعقول و لااقل اغراق آمیز تصور کنید؛ ولی چنین نیست، این يك حقیقت است و کوچکترین اغراقی در آن وجود ندارد؛ بارها گفته ایم اشتباه ما از اینجاست می شود که مقیاس سنجش را در هر مورد خودمان قرار میدهیم البته در برابر قدرتهای محدود ما کار کوچک و بزرگ فرق دارد، یکی آسان و کم زحمت و دیگری مشکل و پرمشقت است؛ ولی فراموش نکنید در عالم بی نهایت (ذات و صفات خدا) اصلاً از کم و زیاد؛ آسان و مشکل، کوچک و بزرگ، و مانند اینها که از خواص موجودات محدود است اثری نیست؛ خلاصه برای يك قدرت نامحدود همه چیز یکسان است (۱)

روشنترین دلیلی که می توان بر تعمیم قدرت خداوند آورد (علاوه بر آن چه از مطالعه موجودات گوناگون در کتاب هستی و تکوین بدست می آید) همانست که از سابق پی ریزی آن را کرده ایم و آن اینکه:

خداوند يك هستی بی پایان و نامحدود است چنین وجودی بطور مسلم بر همه چیز توانا است زیرا عجز و ناتوانی از انجام يك منظور یا بواسطه محدود بودن قدرت فاعل است و یا بر اثر محدود بودن وسائل تولید و یا وجود موانع.

مثلاً اگر ما نتوانیم قطعه زمینی را آباد کرده و مزرعه و باغ خرم و سرسبزی در آن بوجود آوریم یا بواسطه اینست که نفقات ما کم و آن قطعه زمین وسیع است بطوریکه نیروی مادر خور آباد کردن آن نیست یا اینکه نفقات ما با اندازه کافی است اما وسائل و ابزار لازم برای کشاورزی در اختیار نداریم یا اینکه هر دو قسمت را داریم اما قطعه زمین مزبور بصورت سنگلاخی است که در هر قدم بر سر راه ما برای آباد کردن آن مشکلی است.

اما اگر (فرضاً) ما يك قدرت نامحدود داشتیم هر سه اشکال را بلا درنگ از سر راه خود بر می داشتیم و بمقصد میرسیدیم اساساً ابزاری لازم نداشتیم و اگر لازم داشتیم فوراً تولید می کردیم و هر مانعی را با تکیه قدرت از بین می بردیم.

۱- علی علیه السلام میفرماید: وما الجلیل واللطیف، والثقیل والخفیف و القوی والضعیف فی خلقه الا سواء: بزرگ و کوچک، سنگین و سبک، و نیرومند و ناتوان در آفرینش او یکسانند (نهج البلاغه خطبه ۱۸۰)

این استدلال را بصورت دیگر نیز می‌توان بیان کرد: اگر فرضاً خداوند بر چیزی قادر نباشد آیامی‌توان تصور کرد وجود دیگری قادر بر آن باشد؟ اگر بگوئیم نمی‌توان تصور کرد معلوم می‌شود آن موضوع اساساً محال است و قابل این نیست که مشمول قدرت گردد و اگر بگوئیم تصور میشود که وجود دیگری قادر بر آن باشد معلوم می‌شود آن وجود از او کاملتر است در حالی که ما قبول کرده‌ایم کاملتر از خداوند نمی‌توان پیدا کرد، زیرا وجودی که از هر نظر بی‌پایان است کاملتر از او تصور نمی‌شود.

* * *

قرآن مجید می‌گوید: **وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعْجِزَهُ شَيْءٌ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ**
انه كان عليماً قديراً .

: هیچ چیز در زمین و آسمان خداوند را ناتوان نمی‌کند؛ خداوند دانا و تواناست (فاطر آیه ۴۳)

انما امره اذا اراد شيئاً ان يقول له كن فيكون: فرمان او تنها این است که هر گاه چیزی را اراده کرد می‌گوید: موجود شو! بلا فاصله موجود می‌شود. (یس ۸۳)
 ایرادات و اشکالات مربوط به عمومیت قدرت خداوند را در شماره آینده خواهید خواند.

دوروز تاریخی و دو خاطره بزرگ

با فرا رسیدن ماه «رجب» بار دیگر مسلمانان جهان بیاد دو خاطره بزرگ تاریخی می‌افتند: **بعثت پیغمبر اکرم (ص) و میلاد مسعود امیر مؤمنان (ع)**.
 در ۲۷ ماه فرمان رسالت بنام نامی پیامبر بزرگ اسلام از طرف خداوند صادر شد تا قیام کند و جهانی را که در ظلمت کفر و فساد فرو رفته نجات بخشد.
 و در ۱۳ ماه در «خانه خدا» مولودی چشم بجهان گشود که با علم و دانش و مجاهدات و فداکاریهای خود اسلام را در جهان رونق بخشید.
این دو عید بزرگ را به عموم مسلمانان تبریک می‌گوئیم.